



بررسی مفاهیم و مضامین انتظار موعود در اشعار شاعران پایداری؛ علیرضا قزوه،

محمد جواد محبت، قیصر امین پور

ناهید همتی^۱ (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

دکتر رضا فهیمی

استادیار و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

دکتر محمد تقی قندی

استاد یار و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

چکیده

پایداری مفهومی گسترده‌ایی است که می‌توان آن را یکی از بن‌مایه‌های ادبیات فارسی به حساب آورد. شاعران و نویسندگان معاصر فراوانی در این عرصه قلم زده‌اند که در این بین آنها قیصر امین‌پور و علیرضا قزوه و محمد جواد محبت از جمله شاعرانی هستند که دارای اندیشه‌های والا در زمینه پایداری و مؤلفه‌های آن می‌باشند. در پژوهش پیشرو، ضمن ارایه تعاریف ادبیات پایداری و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن و تبیین بحث انتظار و موعود و امید به آینده به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و

معرفی شخصیت‌های مورد نظر و استخراج و ارایه شاهد مثال‌هایی از اشعار شاعران مذکور پرداخته شده است و در خاتمه نتیجه‌گیری این امر که ارتباط تنگاتنگ اعتقادات دینی، مذهبی و انتظار موعود این شاعران در شعرشان کاملاً ملموس و محسوس بوده و این مؤلفه‌ها در پیروزی رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس و حتی امید به آینده شاعران بی‌تأثیر نبوده است.

کلید واژه: ادبیات پایداری، قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، محمد جواد محبت، انتظار.

مقدمه

ادبیات پایداری به مجموعه‌ای از آثار ادبی که شالوده اصلی آن مقاومت و پایمردی و مجاهدت مردم یک کشور و سرزمین، در راه پاسداری از ناموس، شرف و غیرت خود که به خرج داده‌اند، اطلاق می‌شود و موضوع اصلی آن مقاومت در برابر ظلم و ستم و ارمغان‌آور آزادی، پیروزی و امید به آینده‌ای است که از نگاه بعضی شاعران این آینده به منجی موعودی ختم می‌شود که در نزد ما مسلمانان با عنوان مهدی موعود (عج) شناخته می‌شود. محمد رضا سنگری ویژگی‌های ادبیات پایداری را چنین بیان می‌کند: «ستایش آزادی، ستایش مجاهدان و ستم ستیزان، دعوت به وحدت و یکپارچگی، محکوم کردن استبداد، ستایش هجرت، جهاد و شهادت، مردم ستایی به ویژه مردم محروم، محکوم کردن زر پرستی و اشرافیت و...، طرح الگوها و اسوه‌ها، بهره‌گیری از اساطیر شاهنامه‌ایی و چهره‌های حماسی، استفاده از عناصر حماسی و ارزشی عاشورا، ستایش چهره‌های تراز اول انقلاب، ایجاد روحیه نشاط و امید به آینده در افراد و ترسیم افق‌های پیروزی و...».

سنگری، محمد رضا. ادبیات پایداری، پژوهشگاه علوم و معرفت دفاع مقدس، ۱۳۸۹.

بیان مسئله

این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های در اشعار انتظار و امید به آینده صورت پذیرفته، زیرا غور و تعمق در اشعار چنین شاعرانی می‌تواند در فرهنگ سازی روح ادبیات پایداری، مفاهیم انتظار و آشنا ساختن ادب پژوهان و جوانان نقش بسیار مهمی را ایفا نماید.

شاعران تلاش کرده که با انتخاب واژه گان، نمادها را در اشعار خویش گنجانده و روحیه انتظار و فرهنگ مهدویت را به نسل جدید انتقال دهند.

ادبیات پایداری بازتاب سلحشوری، پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی در حفاظت از مرز و بوم سرزمین نیاکان خویش است که در این راستا، با باورهای اسلامی و عقاید استوار شیعی آنان همراه گشته است. (رستگار فسایی، ۱۳۷۲، ۳۹۰)

از جمله شاخص‌های ادبیات پایداری می‌توان به ترسیم چهره رنج کشیده و مظلوم مردم و دعوت به مبارزه و بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها و توصیف ستایش شهیدان و امید به آینده، نوید پیروزی، دعوت به مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم و ستایش آزادی و آزادگی اشاره نمود که از موضوعات اصلی ادب پایداری است که در جای خود به آن پرداخته می‌شود.

باتوجه به مباحث ذکر شده در مورد ادبیات پایداری و ویژگی‌ها و مولفه‌های آن نگارندگان سعی بر آن دارند که در این مقاله ضمن تعاریف مفاهیم انتظار، موعود و امید به آینده که از مولفه‌ها و شاخص‌های ادبیات پایداری است به بررسی مضامین و مفاهیم انتظار از نگاه شاعران مذکور بپردازند. قیصر امین پور و علی‌رضا قزوه و محمد جواد محبت از جمله شاعران متعهد و معتقد به اصول اعتقادی و باورهای مذهبی می‌باشند که این تعهد و تقید و باورمندی به وضوح در اشعارشان قابل مشاهده است. در واقع باید یادآور شد که شاعران پایداری در برابر مردم و اعتقادشان احساس دین و تعهد داشته و از نگاه بصیری «عنصر اساسی ادبیات پایداری تعهد است، تعهد در برابر حیات معنوی و مادی ... نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طریق مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آنان را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۱۳۸۸، ۲۶).

انتظار و مفهوم آن: هر جا واژه‌های انتظار و موعود و امید به آینده به میان می‌آید، نام مهدی (عج) هم جلوه‌گری می‌کند و گویا شاعران امید به آینده و انتظار را در همه

جریان‌های معاصر به خصوص مقاومت دوران هشت ساله دفاع مقدس مؤثر دانسته و با آنها پیوندی ناگسستنی دارند و ناگفته پیداست که در انتظار بودن شاعران و عاشقان روی قائم آل محمد (عج)، جوانه‌های امید را در دل مشتاقان کاشته و با اشتیاقی تمام، به گل نشستن جوانه‌ها و گل‌ها را به انتظار می‌نشینند و این مفاهیم با اعتقادات‌شان گره خورده و در لابلای اشعارشان نمود یافته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به پژوهش‌هایی که در راستای ابعاد مختلف ادبیات پایداری صورت گرفته، بررسی مضامین و مفاهیمی در خصوص پیوستگی اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی این شاعران و اشعارشان ضروری به نظر می‌رسد و در این پژوهش تلاش شده است که اشعار شاعران مذکور در مورد انتظار، موعود، منجی و امید به آینده‌ای روشن و آمدن مصلحی جهانی که دنیا را لبریز از عدل و داد خواهد نمود و از ویژگی‌ها و شاخص‌های اصلی و بارز ادبیات پایداری است، به دانشجویان و ادب دوستان و جوانان معرفی شود و به نوعی به تبیین تعهد، رسالت و اعتقادات مذهبی و دینی پرداخته که امید است از آن بهره‌جویند. در واقع، باید عنوان کرد که ترویج فرهنگ صلح و عدالت جویی و دعوت به قیام و بیداری مردم از انگیزه‌های سرایش شاعران مدنظر بوده است. به طوری که پاسداشت فرهنگ مهدویت، عشق به ظهور منجی شاعران مذکور را بر آن داشته است که با صیقل گوهر کلمات‌شان آثاری زیبا و درخور اهمیت را به جامعه انسانی و ادبی تقدیم نمایند.

پیشینه

گرچه در چند سال اخیر در زمینه‌های مختلف ادبیات پایداری و بررسی‌های تطبیقی مقالات فراوانی در نشریات مختلف به چاپ رسیده است، اما در خصوص موضوع مورد نظر به صورت ویژه و محسوس پژوهشی انجام نشده است. به تعدادی از پژوهش‌های انجام شده به اختصار اشاره می‌گردد:

پایان‌نامه‌ایی با عنوان «بازتاب نهج البلاغه‌ی امیرالمومنین (ع) بر شاعران دفاع مقدس با تأکید بر اشعار قیصرامین پور، علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، احمد عزیزی، علیرضا قزوه» توسط (اکبری بیرق، طباطبایی؛ ایمانی نژاد، ۱۳۹۴) انجام شده که در آن به بررسی تأثیر آموزه‌های امام علی (ع) بر شعر شاعران مذکور و استفاده آنها از این شخصیت دینی و نهج البلاغه در اشعار آنها پرداخته شده است.

پایان‌نامه‌ایی دیگر تحت عنوان «بررسی سیمای معصومین (ع) و کارکرد معنایی آن در شعر احمد عزیزی» نوشته شده که در آن به کارکرد معنایی سیمای معصومین در آثار احمد عزیزی توسط بیگ‌زاده، ملک، دانشگاه رازی، ۱۳۹۵) پرداخته شده است.

پایان‌نامه دیگر با عنوان «تحلیل اشعار انتظار منجی در ادب فارسی تا مشروطه» توسط (ملک ثابت، مهدوی، نوراللهی رومنی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۶) نوشته شده است که اشعار تعدادی شاعر فارسی زبان که به نوعی از منجی سخن گفته‌اند، بررسی و درونمایه‌های آن تحلیل شده و انگیزه‌های شاعران از چنین رویکردی نشان داده شده است.

مقاله‌ایی با عنوان «فضای ظهور منجی موعود در عرصه شعر فارسی» توسط (نیک‌پناه، منصور، ۱۳۹۴) نوشته شده که نویسنده با سیری کلی فضای سروده‌های مهدوی و ویژگی‌های آنها را با تأکید بر شعر شاعران به تحریر درآورده است.

مقاله‌ایی دیگر با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای امام مهدی (عج) در شعر معاصر فارسی و عربی» توسط خسروی حسین چراغی وش، بابایی، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۰، شماره ۱۱) نوشته شده و در آن اشعار سیدرضا موسوی هندی، شیخ محسن ابوالحب، سلمان هراتی و قیصر امین پور مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

مقاله‌ایی دیگر با عنوان «انتظار موعود در شعر شاعران معاصر انقلاب با تکیه بر اشعار سیدحسن حسینی، قیصر امین‌پور و سلمان هراتی» توسط (سعیدی، شوهان، پژوهشنامه اورمزد، ۱۳۹۵) نوشته شده که انتظار موعود جهانی در شعر شاعران مورد نظر از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

شرح حال شاعران

محمد جواد محبت سال ۱۳۲۱ در کرمانشاه به دنیا آمد و کودکی و تحصیلات خود را همانجا گذراند و سپس به عنوان معلم در روستاهای قصر شیرین به خدمت مشغول شد. شعرهای او از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴ در مجلات توفیق، خوشه، روشنفکر، دریچه، تهران مصور و هفته نامه مشیر چاپ می‌شد. از سال ۱۳۶۲ به گروه مؤلفین کتاب‌های درسی پیوست و آثاری از او در کتاب‌های دوم، سوم و چهارم ابتدایی درج شد. محبت همچنین در زمینه نقد شعر و قصه نویسی فعال است.

از جمله آثار او به شرح ذیل می‌باشد: از خیمه‌های عاشورا، آن سوی چهره زرد خورشید، موج عطرها، بهشتی، خانه‌ی هل اتی (شعرهای علوی)، آه ای بانوی طوبی، سایه آه (فاطمیات)، گریه‌ی دل ناصبوران (شعرهای عاشورایی)، گلوی سبز آواز (مجموعه شعرهایی برای امام خمینی)، خاطرات سبز (مجموعه شعر نوجوان)، اشک لطف می‌کند، نت آواز قناری‌ها، از سال‌های دور و نزدیک، از مرزهای فریاد (دفتر سروده‌های انقلابی)، گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)، قلب را فرصت حضور دهید و ...

قیصر امین‌پور متولد دوم اردیبهشت ۱۳۳۸ دزفول است. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در گتوند و دزفول به پایان برد. سپس به تهران آمد و دکترای خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۶ اخذ کرد. وی فعالیت هنری خود را از حوزه اندیشه و هنر اسلامی در سال ۱۳۵۸ آغاز کرد و در سال ۱۳۶۷ سردبیر مجله سروش نوجوان شد و از همین سال تاکنون در دانشگاه الزهرا و دانشگاه تهران به تدریس اشتغال دارد. در سال ۱۳۸۲ نیز به عنوان عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی انتخاب شد.

اولین مجموعه شعرش را با عنوان «تنفس صبح» که بخش عمده آن غزل بود و حدود بیست قطعه شعر آزاد؛ از سوی انتشارات حوزه هنری در سال ۶۳ منتشر کرد و در همین سال دومین مجموعه شعرش «در کوچه آفتاب» را در قطع پالتویی توسط انتشارات حوزه هنری وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی به بازار فرستاد

در سال ۱۳۶۵ «منظومه ظهر روز دهم» توسط انتشارات برگ وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازار می‌آید که شاعر در این منظومه ۲۸ صفحه‌ای ظهر عاشورا، غوغای کربلا و تنهایی عشق را به عنوان جوهره سروده بلندش در نظر می‌گیرد. سال ۶۹ برگزیده دو دفتر تنفس صبح و در کوچه آفتاب با عنوان «گزیده دو دفتر شعر» از سوی انتشارات سروش از وی منتشر می‌شود.

در اواسط دهه هفتاد دومین دفتر از اشعار امین پور با عنوان «آینه‌های ناگهان ۲» منتشر می‌شود که حاوی اشعار است که بعدها در کتاب‌های درسی به عنوان نمونه‌هایی از شعرهای موفق نسل انقلاب می‌آید. «گل‌ها همه آفتابگردانند» جدیدترین کتاب امین پور نیز در سال ۸۱ از سوی انتشارات مروارید منتشر شد. در کنار اشعارش آثاری نثری چون بی‌بال پریدن طوفان در پرائتزو... را دارد و سرانجام در آبان ماه ۱۳۸۶ درگذشت.

علیرضا قزوه در سال ۱۳۴۲، در شهر گرمسار یکی از شهرهای استان سمنان به دنیا آمد. او تحصیلاتش را در رشته ادبیات فارسی ادامه داد و توانست مدرک دکتری خود را در رشته زبان شناسی دریافت نماید.

قزوه مجموعه اشعار بسیاری در قالب شعر سپید و نیز در قالب غزل، منتشر کرده و همچنین در زمینه کارهای پژوهشی و سفرنامه نویسی نیز فعالیت‌هایی داشته است. برخی از اشعار او به صورت مستقل و برخی دیگر به شکل مجموعه، به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است. علیرضا قزوه پس از اخذ دیپلم تجربی، از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵ به ادبیات عرب تمایل پیدا کرد سپس برای ادامه تحصیلات به شهر قم رفت و تا سال ۱۳۶۹ در آنجا بود و لیسانس حقوق قضایی خود را از دانشگاه قم دریافت نمود. پس از آن در مقطع فوق لیسانس در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی فارغ التحصیل شد.

جواد محقق نویسنده و روزنامه نگار، مهم‌ترین ویژگی شعرهای علیرضا قزوه را در طراوت، تازگی و آمیختگی اشعار وی با مضامین اعتقادی، فرهنگ بومی و مفاهیم ملی و

مذهبی ایران می‌داند. قزوه را بسیاری افراد با شعرهای سپید سیاسی، بعضی با غزل‌های انتظار، بعضی دیگر با دوبیتی‌های ساده و برخی نیز با شعرهای مذهبی می‌شناسند.

آثار و تألیفات او عبارتند از: کتاب‌هایش مولا ویلا نداشت - من می‌گویم، شما بگریید - چه عطر شگفتی یادواره احمد زارعی - غزل معاصر ایران - دو رکعت عشق - خورشیدهای گمشده، گزیده اشعار تاجیکستان - غزل معاصر ایران - قدم زدن در کلمات، مجموعه گفتگو با شاعران معاصر - کسی هنوز عیار تو را نسنجیده است - چمدان‌های قدیمی - صبح بنارس و مجموعه اشعارشاز نخلستان تا خیابان - شبلی و آتش - سوره انگور - این همه یوسف - انگشتری سوم خاتم - با کاروان نیزه - گزیده ادبیات معاصر - عشق علیه السلام - قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ می‌باشد.

گرایش‌های فکری شاعران مورد نظر:

ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهدانه و التزام‌آوری است که بوجود آورندگان آن مردمانی هستند که حیات مادی و معنوی‌شان مورد تهدید قرار می‌گیرد. مفهوم مقاومت و پایداری مفهومی عام و گاه ارزشی در بین فرهنگهای ملت‌ها و حسی غریزی برخاسته از طبیعت انسان هاست.

ادبیات پایداری توانسته است. جلوه‌گاهی برای ظهور اندیشه انتظار، امید به آینده و موعود را فراهم آورد. توجه به مساله به انتظار نشستن موعود در بین شاعران پایداری امری حایز اهمیت بوده که به طور محسوسی در شعر شاعران کاملاً مشهود بوده است و یکی از ابعاد ارزشمند شعر پایداری و مقاومت، دلبستگی و توسل به حریم اهل بیت (ع) و بیان مظلومیت و رویارویی حق با باطل و کفار است، زیرا آنان به نیکی دریافته‌اند که کم رنگ‌شدن فرهنگ انتظار و بی‌انگیزگی در راستای تمسک و توسل به ائمه به ویژه حضرت مهدی سبب انحطاط اخلاقی جوامع و قطع امید از آینده‌ای روشن خواهد بود و اعتلای جوامع در گرو امید به آینده و ظهور آن موعود جهانی است.

از نگاه امین پور انتظار و باور عمیق و قلبی به فرارسیدن ظهور موعود در سامان یافتن اوضاع پریشان بشر و درمان آشفتگی و سراسیمگی‌ها مؤثر است. کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق - بیا که نام تو آرامشی است توفانی (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۰۶)

سروده‌های شاعران در خصوص موعود و انتظار بازتاب نوعی مبارزه فکری بر علیه ظلم و ستم و بیدادگری و پلشتی‌های دجالان دروغین و آرزوی برقراری نظام عدالت گستر مهدی و عدل و داد و حاکمیت ارزش‌های دینی و فرهنگی را در قالب اشعار به جامعه عرضه می‌نمایند. بی جهت نیست اگر بگوییم بودن و حضور شاعران در عصری که سرشار از سختی‌ها و نام، ناملایمات و حتی نابرابری‌ها سبب شده است که امین پور و قزوه و محبت به این اشعار تمایلی بیشتر نشان داده و شعر انتظار را فریاد بزنند و در واقع شعر آیینی را می‌توان انعکاس عقیده، باور قلبی و تراوش فکر و خیال شاعران دانست.

ظهور موعودی آرمانی، مصلحی جهانی به عنوان وعده‌ایی الهی از مکنونات قلبی و آرزوهای بسیاری از شاعران متعهد و معتقدی بوده است که با تأسی از همین اعتقادات و باورها به خلق اثری زیبا پرداخته و در سرایش انتظارات از این منجی بر همدیگر پیشی می‌گیرند.

در انتظار آفتاب

در اندیشه منتظران، در انتظار مهدی بودن و محقق شدن آن، رقم خوردن مدینه فاضله‌ای است که فقط با آمدن مصلح جهانی انجام پذیر خواهد بود. امین پور منتظر طلوع آفتابی است که بی‌شک از سمت مشرق طلوع خواهد کرد و چشم‌هایش از او دلیل تازه می‌خواهند: طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی - ز سمت مشرق جغرافیای عریانی (امین پور، ۱۳۷۲، ۸۷).

با آفتاب رنگ و رو رفته / از روی این دریای سرب و دود، هرگز بخاری بر نخواهد خاست؛ اما، حتی سواد هر غباری نیز / در چشم من دیگر / معنای دیدار سواری نیست؛ / این چشم‌ها / از من دلیل تازه می‌خواهند! (امین پور، ۱۳۷۶، ۳۵). امین پور وجود ارزشمند

حضرت مهدی را همان دلیلی تصور می‌کند که می‌تواند او را به سوالات، نیافته‌ها و نادیده‌هایش برساند و بارانی است که بارش آن می‌تواند عطر بهاران را برایش به ارمغان بیاورد.

محمد جواد محبت نیز امام دوازدهم را چون ماهی زیبا می‌داند که روشنایی و زیبایی روی ماهش که دست کمی از خورشید نداشته و مسرت بخش وجود آگاهان به این امر است: گذشت یازده، امشب شب دوازده است - که عکس ماه بیفتد میان برکه و چاه. کجاست ماه تمامی که عین خورشید است - سروربخش به ناگاه جانِ جانِ آگاه (محبت، ۱۱-۱۳۸۵:۱۲)

انتظار و سرگشتگی

امین‌پور زیبایی و برق چشمان موعود و منجی‌اش را به روشنی آغاز بهار تشبیه می‌کند و لبخند زیبایش را پایان بخش پریشانی و سرگشتگی‌ها می‌داند و دست‌هایش فراوانی را تقسیم می‌کند و روزی بخش سفره‌های بی‌روزی می‌داند: چشم تو لایحه روشن آغاز بهار - طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها (امین‌پور، ۱۳۸۸، ۳۵۶).

در هوای عاشقان پر می‌کشد با بی‌قراری - آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد (امین‌پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹)

چشم‌ها پرسش بی پاسخ حیرانی‌ها-دست‌ها تشنه تقسیم فراوانی‌ها (امین‌پور، ۱۳۸۸:۳۵۶،

و علیرضا قزوه نیز به دنبال راهی برای رهایی از سرگشتگی‌ها است: کدامین شانه را سر می‌گذارم وقت جان دادن - کدام آینه پایانی ست این آشفته حالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶).

از نگاه قزوه موعود و مولایش می‌تواند او را به سرمنزل مقصود برساند و راه را به انسان گمراه می‌نمایاند: از این سرگشتگی سمت تو پارو می‌زنم مولا! - از این گم بودگی سوی تو پیدا می‌کنم راهی (قزوه، ۱۳۹۱، ۲۰)

محبت که از منتظران ظهور موعود است حسرت نیامدن آن منجی را با ابیات زیر چنین

آورده است:

ای راحت دل‌های پریشان، نرسیدی

ای فصل بهارانه ایمان نرسیدی

خواندند تو را گریه کنان مردم گریان

گفتند که بشتاب و شتابان نرسیدی

بر جمعه دعا از لب عشاق، شنیدی

محروم تو ماندند و به ایشان نرسیدی

روز آمد و شب رفت و زمین گشت و زمان رفت

آمین دعا بودی و یک آن نرسیدی

تا عمر ثمر آرد و تا بخت گشایش

ای روشنی چشم، به یاران نرسیدی (صحایف گل سرخ، ص ۳۸)

انتظار بهار

شاعران پایداری در اشعارشان نوید آمدن بهاری دل‌انگیز و رفتن خزان بیدادگر را به

همه می‌دهند. بهار نماد زیبایی و شکوفایی و رویش دوباره و نواست و این بهار و شکفتن و

طراوت و زیبایی از نگاه این شاعران موعودی است که به انتظارش نشسته‌اند. محبت وجود او

را فصل دوباره شکوفایی و ... می‌داند: دوباره فصل شکفتن، دوباره شبنم ماه - دوباره خاطره

ای از طراوتی دلخواه (محبت، ۱۳۸۵، ۱۱).

امین پور آن موعود را هزاران بار زیباتر از بهار می‌داند و از بهاران شگفت‌انگیزتر

می‌باشد و حاکمی است شکوفایی و آغاز گل افشانی با اشاره او محقق می‌شود:

کسی که سبزتر است از هزار بار بهار - کسی، شگفت کسی، آن چنان که می‌دانی

(امین پور، ۱۳۸۸، ۳۰۵). و حتی وقت شکوفایی گل را با پایان انتظار برابر می‌داند:

وقت آن شد که به گل، حکم شکفتن بدهی ای سرانگشت تو آغاز گل افشانی‌ها!
(امین پور، ۱۳۸۸، ۳۵۶).

از نگاه قزوه صبح آمدن محبوب از دیده پنهان، چمن با طراوت شبنم صبحگاهیش،
تلاویبی بی نظیر خلق

می‌کند و خود نیز او را بهاری تمام عیار می‌داند که گل‌های قالی را فرش راهش می‌کند و
منتظران به انتظار دیدنش از هیچ کاری دریغ نمی‌ورزند و طراوت و شادابی چمن نیز مدیون
و مرهون آمدن محبوبش می‌باشد:

چمن آینه بندان می‌شود صبحی که باز آبی

بهارا! فرش راهت می‌کنم گل‌های قالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶).

قزوه انتظار استشمام عطر دل انگیز وجود نازنین و شوق دیدارش را در سحرگاهان در
ذهنش تداعی کرده و با این بیت عنوان نموده:

غروبی را تداعی می‌کنم با شوق دیدارش - تماشا می‌کنم عطر تنش را هر سحرگاهی
(قزوه، ۱۳۸۹)

از نگاه محبت بهار انتظار در راه است و نسیم بهاری مژده آمدنش را می‌دهد:

عزیزم! از تو چه پنهان، بهار در راه است

بهار با نفس مشکبار، در راه است.

جانانه‌های سپیدار می‌دهند نوید

طراوتی که تویی دوستدار، در راه است (صحایف گل سرخ، ۲۹)

انتظار و آرامش

امین پور در انتظار کسی است که کشتی عشق در کنارش کنگر می‌اندازد و نامش پایان‌دهنده
توفانها و آرام بخش روح و روان مشتاقان می‌باشد و دست کریمانه‌اش می‌تواند بی‌سر و
سامانی‌های منتظران را سامان دهد و بی‌پناهان آرزومند وجود مبارکش را سرپناهی از مهربانی

بیوشاند و حتی سایه کسای او نیز می‌تواند نه تنها سرپناهِش باشد بلکه او را از هرگونه ترس و وحشتی در امان نگه دارد و احساس آرامش و امنیت انسان منتظر را تأمین نماید.

کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق

بیا که نام تو آرامشی است توفانی (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۰۶).

حالیا! دست کریم تو برای دل ما

سرپناهی است در این بی‌سر و سامانی‌ها

سایه امن کسای تو مرا بر سر، بس!

تا پناهم دهد از وحشت عریانی‌ها (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۵۶).

از نگاه قزوه نیز آینه‌ها را نشان از صداقت و اخلاص دارند، بر انتظار منجی عالم بشریت متعصبند و سنگ انتظارش را بر سینه می‌زنند و به تعبیری دیگر، صداقت و خلوص و موعودش حتی بر آینه نیز پیشی می‌گیرد:

از همه آینه‌ها زلف رها کرده‌تری

می‌زنند آینه‌ها سنگ تو را بر سینه (قزوه، ۱۳۸۹).

محبت یقین دارد آن سوار امید بخش خواهد آمد و دل بی‌قراران را آرامشی خاص خواهد بخشید:

بگو به خاطر آشفته، در تبسم گل

قرار جان و دل بیقرار، در راه است

خبر دهید به دل خستگان تشنه مهر

زالال عاطفه خوشگوار، در راه است

قسم نمی‌خورم اما به جان منتظران

چراغ روشن آن انتظار، در راه است

اگر نه جمعه حاضر، که جمعه ای دیگر

امید زمزمه دارد، سوار در راه است (صحایف گاسرخ، ۲۹).

انتظار و عدالت گستری

محبت در انتظار کسی است که آمدنش ارمغان آور جهانی مملو از عدل و داد برای همه مردم بدون نگاه قومیتی و نژادی و جغرافیایی خواهد بود و نشان از مقاومت و پایداری جهانی دارد.

جوانه زد دل آیین، شکفت شاخه دین

بهار باور مردم، سپید، سرخ، سیاه محبت

که آن سلاله خوبان معدلت گستر

رسد به داد دل مردم عدالت خواه (محبت، ۱۱-۱۲، ۱۳۸۵).

شاعران در اشعارشان گلبانگ یکتاپرستی و امید به آینده و ظهور موعود را سر داده و روحیه انتظار را در وجود مخاطبان بر می‌انگیزاند.

موعود قزوه شاهی است که هیچ گدایی را از درش ناامید بر نمی‌گرداند:

دلم یک بار بویش را زیارت کرد... این یعنی نمی‌خواهد گدایی را براند از درش شاهی
(قزوه، ۱۳۹۱، ۱۹، ۲۰)

و این بیت قزوه ناخودآگاه متبادر کننده شعر شهریار در وصف مولا علی (ع) نیز به ذهن انسان می‌باشد:

برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را (دیوان شهریار، انشارات نگاه، ۱۳۹۱).

انتظار و باورهای عامیانه

فرهنگ عاشورا، اعتقاد به ظهور موعودی امیدبخش یکی از سرچشمه‌های جوشان عدالت طلبی و آزادی خواهی مردم ایران است. و شاعران نیز از این امر در اشعارشان مدد جسته‌اند.

پریدن پلک در باور بین مردمان نشانه ای از آمدن میهمان است و امین پور این باورهای عامیانه را در انتظار کشیدن آن محبوبی می داند که به انتظارش نشسته است:

طلوع می کند آن آفتاب پنهانی

ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی (امین پور، ۱۳۷۲: ۸۷)

دوباره پلک دلم می پرد، نشانه‌ی چیست؟

شنیده ام که می آید کسی به مهمانی... (امین پور، ۱۳۷۲: ۸۷)

قزوه نیز با باوری دیگر دوری دیدار محبوب را مطرح کرده است که پلکهایش از شدت چشم براهی و انتظار سفت و سخت شده و سومایش را از دست داده است:

تو کدام آینه ای، ای شرف الشمس غریب

که زد از دوری دیدار تو چشم پینه

امین پور در انتظار موعودی است که آمدنش باور قلبی اوست و مثل روز روشن

است، اما نگران است که نتواند آمدنش را ببیند:

ای روز آفتابی / ای مثل چشم‌های خدا آبی / ای روز آمدن / ای مثل روز، آمدنت

روشن / این روزها که می گذرد هر روز /

در انتظار آمدنت هستم / اما با من بگو / که آیا من نیز / در روزگار آمدنت هستم؟ (امین

پور، ۱۳۸۸: ۲۴۰)

انتظار و نیایش

منتظر منجی و موعود بودن از مباحث مهم و محوری ادبیات پایدار است که بسیاری

از شاعران معاصر با تاسی از باور دینی و مذهبی خود آن را محور و موضوع اشعارشان قرار داده

و به خلق آثار پرداخته اند و دعا و نیایش برای ظهور و تعجیلش را فراموش نمی کنند:

محبت آرزو می کند که منتظران موعود بتوانند نشانه های خوشبختی را با ظهور

حضرتش ببینند و این آرزو را در لوای دعای خالصانه با حضور دل از خداوند طلب می کند:

خدا کند که درخت حیا، به باغ جهان

به خلق هدیه کند سایه نجابت را
 خدا کند که بچینند دست خواهش ما
 ز شاخه های دعا میوه اجابت را
 خدا کند که حضور دلی به وقت نماز
 به دست صدق رساند، کلید حاجت را
 خدا کند که ببینند منتظر شدگان

ظهور کردن آن آیت سعادت را (صحایف گل سرخ، ص ۱۴).

قزوه می گوید: با فرا رسیدن نیمه شعبان داغ دل منتظران تازه می شود
 هلال نیمه ی شعبان رسید و داغ دل نو شد
 دعای آل یاسین خوانده ام با شعر کوتاهی
 بیا که دست امید است و دامن تو عزیز
 بیا که منتظران تو آند چشم به راه (قزوه، ۱۳۹۵، ۱۹).

در نگاه علیرضا قزوه، منتظران ظهورش سحرگاهان جمعه با عشق آمدن و تعجیل در
 ظهور موعودشان دعای ندبه را زمزمه می کنند و به امید نور افشانی انوار آینه ها هستند:

ندبه خوانیم تو را هر سحر آدینه
 تو کدام آینه ای؟ صل علی آینه

او بلور اشک های زلال اندوهش را برای آمدنش نثار می کند:

به پایت ریختم اندوه یک دریا زلالی را / بلور اشک ها در کاسه ماه هلالی را
 (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۵).

قزوه نگران است که آیا می تواند بر شانه محبوب سر بگذارد و چگونه آشفته حالیش به
 پایان خواهد رسید:

کدامین شانه را سر می گذارم وقت جان دادن

کدام آیینه پایانی ست این آشفته حالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶).

اما اطمینان دارد که بالاخره محبوب موعودش آمدنی است:

تو ناگاهان می آیی مثل این ناگاه بی فرصت

پذیرا باش از این دلتنگ، شعری ارتجالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶)

از نگاه منتظران روزهای جمعه حال و هوایش متفاوت با سایر روزهاست و قزوه که از دیگر منتظران حضرت مهدی است افق های خونرنگ رابه دلتنگی های عصر جمعه منتظران موعود تشبیه می کند و بیاد او نظاره گر قابهای خالی است که باید تصویر زیبای معشوق فضای آن را زیبا و پر نماید:

افق هایی که خونرنگ اند، عصر جمعه مایند تماشا می کنم با یاد تو هر قاب خالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶).

و محبت نیز با دستان امیدوارش دست به دامن موعودی است که چشم براهش است: بیا که دست امید است و دامن تو عزیز بیا که منتظران تواند چشم به راه (صحایف گل سرخ، ص ۱۲).

محمدجواد محبت در مورد بیقارای های روز جمعه، آرزو می کند همه روز هفته اش جمعه باشد تا شاید بتواند ظهورش را به چشم خود ببیند خوشا آن دل که سوزش جمعه باشد فروغ دل فروزش جمعه باشد بیا ای دوست تا ایام هفته تمام هفت روزش جمعه باشد. (صحایف گل سرخ، ص ۶۴).

کجایی تا حضورت را ببینی / براین مجلس عبورت را ببینیم / خدا قسمت کند تا عمر باقیست / به چشم خود ظهورت را ببینیم (صحایف گل سرخ، ص ۶۵).

انتظار و چشم براهی

ظهور امام زمان عج بشارتی شیرین برای منتظران است که «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طول می دهد، تا آنکه مردی از خاندان من ظهور کند

و دنیا را همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، لبریز از عدل و داد نماید.» (صافی، ۱۳۷۳، ۲۴۷).

در تصور امین پور وجود مبارک مهدی موعود می تواند بر روشنایی صبح و رنگ و روی مهربانی هم تأثیر گذار باشد و مهربانی با او معنا می شود:

صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد (امین پور، ۱۳۷۹، ۴۶).

از نگاه امین پور بدون وجود مبارک او کار و بار عاشقی بدون رونق بوده و از گذشت زمان نیز بی خبر خواهی بود

بی تو می گویند تعطیل است کار عشق بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد (همان)

گرچه دشمنان جغد صفت، سعی بر انکارش دارند اما عطر وجود مبارکش نشان از گنجینه ای ارزشمند دارد

جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹).

نه تنها امین پور بلکه همگان بر این حقیقت واقفند که عشق با سختی همراه است و گرچه دوری روی ماهش و انتظار سخت و طاقت فرساست اما عاشق واقعی طالب چشیدن طعم سختی است تا بتواند حلاوت دیدار را تجربه نماید و این مؤید کلام سعدی نیز می باشد:

خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹).

احتمال نیش کردن واجبست از بهر نوش حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست (سعدی)

پینه بستن نشان از تحمل سختی ها و انجام کارهای پر مشقت می باشد و امین پور آن را مایه مباحثات انسان منتظر و عاشق می داند:

روی آنم نیست تا در آرزو دستی بر آرم ای خوش آن دستی که رنگ آبرو از
پینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹).

قزوه درد و داغ مدینه و یتیم شدن خاک را به نیامدن او منتسب می کند و آمدن کسی
را نوید می دهد که نیامدنش با داغ و درد همراه است: کسی می آید از راه / تو صد مدینه
داغی، تو صد مدینه دردی / یتیم می شود خاک، اگر که برنگردی / تمام شب نیفتاد صدای
زوزه باد / چه بادهای سردی، چه کوچه های زردی

قزوه انتظار آمدن مردی را می کشد که ناگهان و به ناگاه خواهد آمد:

کسی می آید از راه، چه ناگهان چه ناگاه

خدای من چه روزی! خدای من چه مردی!

حس انتظار امید بخش ترین شاخصی است که شاعر پایداری علی رضا قزوه آن حس
را به همه لاله های به خون خفته گره زده و همگان را به چشم انتظاری فرا می خواند:

بیا تا عاشقی را پاس داریم

سر قبر شهیدان گل بکاریم

تمام دشت یکسر لاله زار است

گل نرگس تو را چشم انتظاریم (قزوه، ۱۳۸۴، ۲۲)

محبت که از منتظران ظهور موعود است حسرت نیامدن آن منجی را با ابیات زیر چنین

آورده است:

ای راحت دل های پریشان، نرسیدی

بر جمعه دعا از لب عشاق، شنیدی

ای فصل بهارانه ایمان نرسیدی

خواندند تو را گریه کنان مردم گریان

گفتند که بشتاب و شتابان نرسیدی

محروم تو ماندند و به ایشان نرسیدی

روز آمد و شب رفت و زمین گشت و زمان رفت

آمین دعا بودی و یک «آن» نرسیدی

تا عمر ثمر آرد و تا بخت گشایش

ای روشنی چشم، به یاران نرسیدی (صحایف گل سرخ، ص ۳۸)

و امین پور نیز خود را منتظری معرفی می‌کند که در بین تمام کوچه‌های ظلمانی و تاریک، تنها چراغ خانه او به انتظارش موعودش روشن است و چشم براه مانده است:

در انتظار تو تنها چراغ خانه ماست

که روشن است در این کوچه‌های ظلمانی (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۰۶)

در تصور امین پور نبودن موعودش سبب می‌شود که هیچ چیز طبیعی به نظر نرسد و هست‌ها و بایدها نیز آن‌چنان که باید باشند نیستند و روزهای بدون او را روز مبادایی فرض می‌کند که بالاخره خواهد آمد گرچه در تقویم ثبت نشده است. و ضرورت بودنش را چون لزوم تپش برای قلب و بودن بال برای پریدن عقاب را معرفی می‌کند: وقتی تو نیستی / نه هست‌های ما / چونان که بایند / نه بایدها... / هر روز بی تو / روز مباداست (امین پور، ۱۳۸۸، ۲۵۲)

بایسته‌ای چنان که تپیدن برای دل یا آن چنان که بال پریدن عقاب را

محمد جواد محبت نیز تمام وجود انسان منتظر را چشم براه موعود می‌داند. موعودی

که حتی خیال را لبریز از شوق نموده و کوچه‌های نگاه نیز مملو از صدای تماشای اوست:

پر از نشانه شوق است کهکشان خیال پر از صدای تماشاست کوچه‌های نگاه

انتظار و نور

امید به آینده‌ای روشن و ظهور و آزادی و سپیده‌نمادی از انتظار و ظهور مهدی

موعود است و مرهم نام او التیام بخش تمام زخم‌های منتظران است.

امین پور با بیانی زیبا می‌گوید که داغ و درد دل دردمند و مهجورش بانور انتظار منور

می‌شود و راه را با این همین روشنایی‌ها آذین می‌بندد:

با گل زخم، سر راه تو آذین بستیم
 داغ‌های دل ما، جای چراغانی‌ها
 وقت آن شد که به گل، حکم شکفتن بدهی
 ای سرانگشت تو آغاز گل‌افشانی‌ها
 (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۵۶).

او منجی اش را آغاز هر زیبایی و پایان هر سرگشتگی معرفی کرده و که در کوچه
 های ظلمانی و تاریک دنیا به امید آمدن معشوق چراغش روشن است:
 چشم تو لایحه روشن آغاز بهار
 طرح لبخند تو پایان پریشانی‌ها
 (امین پور، ۱۳۸۸، ۳۵۶).

که روشن است در این کوچه‌های ظلمانی در انتظار تو تنها چراغ خانه ماست
 از نگاه امین پور او کسی است که زداينده ی ظلمات و تیرگی‌ها ست و کلیددار
 شهر آینه‌هاست:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید
 آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹).
 امین پور نیز صبح بدون وجود او را به بعد ظهر جمعه تشبیه می‌کند و حتی مهربانی نیز
 بدون وجود نازنینش رنگ و رویش را می‌بازد:
 صبح بی تو، رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد
 بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد (امین پور، ۱۳۸۸، ۴۰۹).
 محبت معتقد است که منتظران ظهورش از اشکهای شان چراغی بر راهش گذاشته‌اند و
 منتظر قدم رنجه‌اش هستند تا یار بهاری شان جلوس کند و تردیدی ندارد که آن زمان فرا
 خواهد رسید:

منتقم کجاست آن که در رهش نشانده‌اند
 هر محله مردمان از اشک خود چراغ‌ها
 می‌رسد بدون هیچ شک و شبهه می‌رسد
 می‌رسد زمان راحتی، پر از فراغ‌ها

کوچه‌های آرزو تمام سبز سبز سبز سبز
 خانه‌ها بهشت واره، مثل کوچه باغ‌ها (صحایف گل سرخ، ص ۳۵).
 انتظار و دم مسیحایی و القای امید به آینده و پیروزی موعود و ستایش آزادگی و
 آزادی و ستایش میهن و اسطوره‌های ملی و تاریخی اشاره کرد.
 قزوه نیز این باور عامیانه را برای آمدن مهدی موعود چنین بیان کرده است که با وجود
 آن مسیح بازگشته از آسمان چهارم، حتی تنهایی زمین نیز پر خواهد شد:
 از آسمان چارم، مسیح بازگشته ست
 زمین ولی چه تنهاست، مگر تو بازگردی
 قزوه محبوبش را به عنوان یوسفی می داند که حاضر است در راه او شهید شود تا با لبخندش بر
 خشکسالی خط بطلان بکشد:

شهید یوسفستان توام زلفی پریشان کن
 بخشکان با گل لبخندهایت خشکسالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶).
 دل مصر و یمن خون شد ز مکر نابردارها
 یقین دارم که تو آن یوسف افتاده در چاهی (قزوه، ۱۳۹۱، ۱۹، ۲۰).
 قزوه که از دیگر منتظران حضرت مهدی است افق‌های خونرنگ رابه دلتنگی‌های عصر
 جمعه منتظران موعود تشبیه می کند و بیاد او نظاره گر قابهای خالی است که باید تصویر زیبای
 معشوق فضای آن را زیبا و پر نماید:
 افق‌هایی که خونرنگ اند، عصر جمعه مایند

تماشا می کنم با یاد تو هر قاب خالی را (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶)
 کی می شود که دیده‌ی یعقوب و اشود؟ کی می رسد که یوسف دل، آید از سفر؟ (قزوه، ۱۳۸۹، ۱۳۳)

انتظار صبح سحر

در انتظار آفتاب بودن، ایمان قلبی می خواهد، باور مذهبی می خواهد که به امدادهای غیبی اش
 اعتقاد داشته باشند و او را جویری ببیند که قزوه در اشعارش آورده است:

نه مثل ساره‌ای و مریم! نه مثل آسیه و حوا! فقط شبیه خودت هستی! فقط شبیه خودت زهرا
 اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری شبیه آیه تطهیری! شبیه سوره «اعطینا»
 براستی قزوه چقدر زیبا و با لطافت هویت بودن او انتسابش به پاکی‌ها را تفسیر می‌کند
 شناسنامه تو صبح است، پدر تبسم و مادر نور سلام ما به تو ای باران، سلام ما به تو ای دریا
 کبود شعله‌ور آبی سپیده طلعت مهتابی به خون نشستن تو امروز، به گل نشستن تو فردا
 شلال گیسوی شب شد سپید از مهتاب رسید پیک سحر، بر دمید صبح پگاه
 سرایش چنین اشعاری در روزگاری که دشمن پلی، در تاکتیکی ملتش را دچار یاس می
 کند. دمیدن روحیه آزادگی، نشاط، مبارزه با یاس و ناامیدی و ترسیم آینده‌ای روشن و
 بدور از هر ظلم و جور و ناامیدی می‌باشد که طلیعه طلوع فجر و آزادی و عدالت را
 برایش نوید دهد و به قول قزوه یاس معطر و نسیم نرگس مهدی موعود همه جا را لبریز از
 عطر خوش بویش نموده است:

سحرگاهان دل‌های مشتاق معشوق از عطر یادش مشعوف و عطر آگین می‌شود:
 سحر از یاس شد لبریز دل‌های جنوبی مان نسیم نرگست پر کرد ایوان شمالی را
 (قزوه، ۱۳۹۱، ۹۶)

او لوح محفوظ خداست که با وجود لبریز شدن دنیا از ظلم و جور و کینه و کفر
 باید صبحگاهی با روشنایی اش دیده منظران را نورانی و کینه و کفر و... را بزدايد و پیک
 سحرگاهی نوید دمیدن صبح روشن را می‌دهد:

لوح محفوظ خدا! آينگی کن يك صبح که جهان پر شده از آتش و کفر و کینه محبت
 اگر عصری ست یا صبحی تو آن عصری تو آن صبحی اگر مهری ست یا ماهی تو آن مهری
 تو آن ماهی (قزوه، ۱۳۹۱، ۲۰)

شاعران منتظر و متعهد پایداری چشم به آسمانی دوخته‌اند که در آن خورشیدی
 عدالت گستر انوار طلایی و روشن مهربانی و عدالت را در تمام پهنه گیتی بتاباند و به همه
 منتظران هدیه دهد و پنجره‌های خوشبختی و انسان دوستی را به روی همگان بگشاید و از

روزنه آن به قاف تعالی و حقیقت‌جویی دست یازند. و آمدن او و طلوع و درخشش خورشیدش، همان روزی است که امین پور ساده و صمیمانه آن را به گفتگو نشسته است: ...روزی که مشق آب، عمومی است / دریا و آفتاب / در انحصار چشم کسی نیست / روزی که آسمان / در حسرت ستاره نباشد / روزی که آرزوی چنین روزی / محتاج استعاره نباشد / ای روزهای خوب که در راهید! / ای جاده‌های گمشده در مه! / ای روزهای سخت ادامه! / از پشت لحظه‌ها به در آید! / ای مثل چشم‌های خدا آبی / ای روز آفتابی / ای روز آمدن! / ای مثل روز، آمدنت روشن! / این روزها که می‌گذرد، هر روز! / در انتظار آمدنت هستم / اما / با من بگو که آیا، من نیز / در روزگار آمدنت هستم؟ (امین‌پور، ۱۳۸۸، ۲۴۰).

از نگاه شاعران منتظر، هر بار که عطر نرگس، بوی اسپند و لبخند مهربانی در کوچه کوچه شهر می‌پیچد، منتظران به شوق طلوع درخشش آفتاب عشق و رنگین‌کمان زیبایی‌های عالم، چراغ‌های چشمک‌زن را با ثانیه‌های شادی و انتظار در هر لحظه نگاه می‌کنند تا ناقوس پایان انتظار در وسعتی بی‌انتهای طنین انداز شود و پایان چشم‌انتظاری را رقم زده و اهتزاز پرچم عدالت گستر او را نظاره‌گر باشند.

نتیجه‌گیری

از نگاه بسیاری از پژوهندگان منشاء ادبیات پایداری قیام تاریخی عاشورا و پیوند آن با قیام مهدی موعود (عج) است و انتظار موعود، انتظار مقدسی است و ترویج این فرهنگ در بین شاعران و انتقال آن به جامعه، تأثیری شگرف در اعتلای جوامع دارد و نوید بخش امید به آینده روشن در دل منتظران بوده و بارقه‌های صلح و دوستی و حب وطن و عدالت‌گری و مبارزه با هرگونه ظلم و اجحاف حقوق‌انسانها را دل مردمان جامعه روشن نموده و شاعران طلیعه‌داران پرچم پایداری و امید و مطالبه‌گران عدالت و حقوق انسانی هستند که در این بین شاعران مذکور (قزوه، امین‌پور، محبت) گوی سبقت را در این امر از سایرین ربوده و در راستای تعهد و اعتقادات دینی و مذهبی شان خوش‌درخشیده و دینشان را نسبت به انقلاب و ارزشها و میهن خود و موعودی که در انتظارش هستند، ادا نموده و در پژوهش انجام شده در

خصوص زبان ساده و صمیمی شاعران موردنظر و ارتباط با مخاطبان و گاه ادبیات عامیانه و خلق آثار بی نظیر و مضمون آفرینی‌های فراوان و استفاده از صورخیالی که چنان در تار و پود اشعار تنیده شده که جدایی آن امکان پذیر نیست که در این راستا می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره نمود:

- هر سه شاعر هم در زمینه اشعار پایداری و هم در زمینه اشعار آیینی و انتظار آثار قابل توجهی دارند، گرچه از نظر تعداد اشعار محمد جواد محبت نسبت به قزوه و امین پور بیشتر می‌باشد.

- در اشعار هر سه شاعر زبان ساده و عامیانه با مفاهیم والا و ارزشی مشهود است.

- شاعران مورد نظر از ترکیبات جدید و مضامین نو در خلق اشعار خود بهره برده‌اند.

- در اشعار این شاعران مفاهیم و مضامینی در راستای انتظار صبح سحر - انتظار و دم مسیحایی - انتظار و نور - انتظار و چشم‌براهمی - انتظار و نیایش - انتظار و باورهای عامیانه - انتظار و عدالت گستری - انتظار و آرامش - انتظار بهار - انتظار و سرگشتگی - در انتظار آفتاب نمود دارند که با ذکر شواهد مثال آورده شده‌اند.

- استفاده از تشبیهات و استعار و پارادوکس‌های زیبا، صنعت تشخیص و تضاد و تناسب در اشعار و آثار این شاعران محسوس است و از نظر استفاده از تشبیه و استعاره با توجه به تعداد اشعار امین پور، قزوه و سپس محبت در اشعار بهره برده‌اند.

- بیشترین بسامد واژگانی در اشعار هر سه شاعر در استعمال کلماتی چون روز روشن - سحر - عطرانتظار - باران - دریا - مهر - ماه - جمعه (آدینه) - نور - ظلمت - چراغ - شوق دیدار - مهربانی - دعا - آفتاب - طلوع - بهار - عدالت - آرامش - سرگشتگی - عشق - آرزو - آئینه و ... می‌باشد.

- در حوزه نماد پردازی رنگها با توجه به باورها و اندیشه‌های شاعران و تصوراتشان از انتظار و جامعه و فضای آن بیشترین بسامد رنگها مربوط به رنگ روشن و سیاه و سبز می‌باشد.

- استفاده از نمادها و شخصیت‌های مهم و اسطوره‌ای مانند مسیح - یوسف و ... در اشعارشان نمودی عینی دارد.

هر سه شاعر، انسان‌هایی ارزشی و آرمانگرا و باورمندی هستند که در تمام سروده‌های مرتبط با انتظارشان در جستجوی غایبی هستند که در حسرت دیدارش می‌سوزند و یقین دارند که آمدنش حتمی است و حسرت نیامدنش را در سروده‌های‌شان منعکس نموده‌اند. شاعران مذکور ادبیات و اشعارشان پیوسته با وجودشان گره خورده و می‌جوشد و می‌خروشد. یکی از مهمترین انگیزه‌های آنها را می‌توان ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت دانست.

امین‌پور و محبت و قزوه از جمله شاعران معاصری می‌باشند که با زبان ساده خود توانسته‌اند با مخاطب به خوبی ارتباط برقرار کنند. و این مهم به دلیل مضمون‌آفرینی و استفاده از کلمات و مفاهیم ساده و روان آنهاست و اشعارشان سرشار از مضمون‌آفرینی است. استفاده از کنایات و عبارات عامیانه و هم چنین کلمات ساده از جمله ویژگی‌های زبانی اشعار این شاعران توانا می‌باشد.

و در پایان بایسته است که به این امر اشاره شود که شاعران پایداری بویژه شاعران مذکور با سرودن اشعارشان در انتظار ظهور طلایه دار عدالت گسترده هستند که با آمدنش نه تنها دنیا را مملو از عدل و داد و مهربانی خواهد نمود. بلکه پایان بخش جدال تاریخی حق و باطل خواهد بود و نور عدالت تمام تیرگی‌های گیتی را خواهد زدود.

منابع

- امین‌پور، قیصر. آینه‌های ناگهان. ۱۳۸۸.
- امین‌پور، قیصر. تنفس صبح. تهران: سروش. چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- امین‌پور، قیصر. در کوچه آفتاب، تهران: نشر برگ، ۱۳۶۰.
- امین‌پور، قیصر. مجموعه کامل اشعار. تهران: مروارید، ۱۳۸۸.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. جلد یک. کرمان. دانشگاه شهید باهنر کرمان

- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. شیراز: انتشارات نوید.
- سنگری، محمدرضا. ادبیات پایداری. تهران: پژوهشگاه علوم و معرف دفاع مقدس. ۱۳۸۹.
- شهریار، محمد حسین. دیوان شهریار. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.
- صافی. لطف الله. (۱۳۷۷). منتخب الاثر، چاپ دوم، قم: السیره المعصومه.
- قزوه، علیرضا. قطار اندیمشک. تهران: لوح زرین. ۱۳۸۴.
- قزوه، علیرضا. صبح بنارس. تهران: شهرستان ادب. چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- قزوه، علیرضا. عشق علیه السلام. تهران: چاپ دوم. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۹.
- محبت، محمد جواد، صحایف گل سرخ. کرمانشاه: نشر صبح روشن. ۱۳۸۴.

